

Mystical Analysis on the Stature of the Heart based upon the Narrations of Imam Reza ¹

Saeed Malik Muhammad *

Hamed Naji Esfahani **

(Received on: 2019-05-22; Accepted on: 2019-07-23)

Abstract

The purpose of this study is to identify and analyse the mystical position of the heart based on the narrations of Imam Reza. The research method is content-based qualitative analysis. The unit of analysis is the early Shiite narrative sources. More than a dozen narratives were reviewed, and primary codes were obtained through an exploratory study. Secondary codes and research categories were used after analysing the traditions. In this study, the theoretical and practical features of the heart's approach to divine happiness and truth are presented. Research findings indicate that the heart refers to the centre of thought or reason, the centre of intuitive cognition, and the soul. Similarly, the heart has characteristics such as the place of wisdom, the place of revelation, the place of divine will, the mine of the divine light, the owner of the senses, the place of perfection, the mirror of behaviour, and so on. The states of the hearts are attraction and repulsion. Components such as knowledge, communication with God, communication with divine authorities give life to the heart, whereas, atrocities, betrayal, veil, and the outflow of faith from the heart ail and harm it.

Keywords: Mystical Analysis, Heart, Narrations of Imam Reza.

1. This article is taken from: Saeed Malek Muhammad, "Mystical Anthropology in the narrations of Imam Reza, Imam Javad, Imam Hadi, Imam Asgari and Imam Mahdi", Doctoral Thesis, Hamed Naji Esfahani, College of Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, 2019.

* Ph.D. Student of Mysticism and Sufism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author) s_malekMuhammadi@urd.ac.ir.

** Associate Professor of Philosophy, University of Isfahan, Isfahan, Iran h.naji@ltr.ui.ac.ir.

تحلیل عرفانی جایگاه قلب با تکیه بر روایات امام رضا (ع)^۱

سعید ملک محمد*

حامد ناجی اصفهانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۶]

چکیده

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عرفانی جایگاه قلب با تکیه بر روایات امام رضا (ع) انجام پذیرفت. روش پژوهش، تحلیل کیفی مضمون محور است. واحد تحلیل، منابع روایی متقدم شیعه است. بیش از ده‌ها روایت بررسی شد و کدهای اولیه با مطالعه اکتشافی به دست آمد و کدهای ثانویه و مقولات پژوهش بعد از تحلیل دلالتی روایات مستفاد گردید. در این پژوهش، شاخصه‌های نظری و کاربردی در رهیافت قلب به سعادت و حقیقت الاهیه مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قلب به معنای مرکز اندیشه یا عقل، مرکز شناخت شهودی و روح است. همچنین، قلب ویژگی‌هایی دارد، از جمله: محل حکمت، محل نزول وحی، محل اراده الاهی، معدن نور الاهی، مالک حواس، جایگاه کمالات، آئینه رفتار، و ... احوال قلب، اقبال و ادبار است و مؤلفه‌هایی چون علم، ارتباط با خدا، ارتباط با اولیای الاهی از علل حیات قلب، و قساوت، مسخ، احتجاب و خروج روح ایمان از آسیب‌ها و بیماری‌های قلب است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل عرفانی، قلب، روایات امام رضا (ع).

۱. این مقاله برگرفته از: سعید ملک محمد، «انسان شناسی عرفانی در مآثورات امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسگری و امام مهدی»، رساله دکتری، حامد ناجی اصفهانی، دانشکده عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۸، است.

* دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

s_malekmohammadi@urd.ac.ir

** دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران h.naji@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

از دیدگاه عرفا، قلب به مثابه شاخصه محوری در تعیین و معرفی سعادت و شقاوت انسان مطرح است. پروردگار متعال هدایت و ضلالت را به قلب نسبت داده (تغابن: ۱۱؛ آل عمران: ۸) و تجلی انوار الاهی بر قلب را زمینه راه یابی انسان به حقیقت توحید می داند (النجم: ۱۱-۱۸). از سوی دیگر، مَهر و قفل بر قلب منافقان و کفار را نشان از اتمام حجت الاهی دانسته است (بقره: ۷؛ نساء: ۱۵۵).

عرفا دل را محل ظهور اسماء الله دانسته اند که اسماء الاهی گرد آن طواف می کنند (ابن عربی، بی تا: ۱/۶۶۸). یکی از عرفا درباره حقیقت قلب می نویسد:

لطیفه ای که آن را به جهت لطافتش، قلب می نامند همواره حالاتش تغییر می کند ... و این لطیفه را به سه وجه قلب نامیده اند؛ یکی به سبب تغییر و انقلابی که در آن صورت می گیرد و دیگر به علت انقلابی که در وجود و معانی ایجاد می کند؛ و سوم به دلیل نوری که در چاه وجود ایجاد می کند (نجم الدین رازی، ۱۴۲۶: ۱۳۲-۱۳۳).

در این پژوهش، روایات اهل بیت (ع)، به ویژه اخبار امام رضا (ع)، محور استنتاج آموزه های دینی در باب قلب است.

پیشینه پژوهش

در پژوهش های محدودی به موضوع قلب از منظر روایات پرداخته شده است، مقالاتی نظیر: «الگوی تأثیر قلب بر سامانه تفکر از منظر روایات»، «جیستی بیماری های گرایش قلب و شیوه درمان آن در قرآن و روایات»، «معرفت قلبی از دیدگاه شریعت و مکتب ابن عربی» و نقطه متمایزکننده این پژوهش از دیگر تحقیقات در این زمینه، علاوه بر تحلیل عرفانی روایات امام رضا (ع) درباره آموزه قلب و تأیید آن از سایر روایات، روش تحقیق به کار برده شده، بر اساس تحلیل مضمون است.

مواد و روش

پژوهش حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی و با استفاده از روش «تحلیل مضمون» انجام شده است. «تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی» (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). «از آنجا که روش تحلیل مضمون به بررسی و تحلیل متن می‌پردازد، نحوه جمع‌آوری اطلاعات در قالب چرخه‌های برداشت از متن انجام می‌شود. در واقع، محقق در هر رفت و برگشت، یافته‌های جزئی که ناسازگار و متناقض با سایر یافته‌های محکم‌تر قبلی هستند، کنار گذاشته می‌شوند. این مسیر تا جایی ادامه می‌یابد که درک قابل قبولی از متن ایجاد شود که کمترین تناقض درونی را دارد» (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰).

«تحلیل مضمون، برخلاف تحلیل محتوا، به دنبال کشف و شناسایی مضمون است. شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع در نحوه شناخت مضامین تأثیر می‌گذارد. بنابراین، مضمون لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد، بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد» (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

«وجه تشابه تحلیل محتوا و تحلیل مضمون آن است که هر دو از روش‌هایی است که می‌تواند جهت شناخت الگوهای داده‌های کیفی به کار رود. با این حال، تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. یکی از اشکالات تحلیل محتوا این

است که یا معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌شود یا بسیار کم توجه می‌شود و این امر باعث می‌شود غنای داده‌ها به شدت کاسته شود» (همان: ۱۵۷).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مضمون بر مبنای کدگذاری است. در فرآیند کدگذاری مضامین در سه سطح کشف می‌شود: مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی و تکراری موجود در متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه)، و در نهایت مضمون یا مضامین فراگیر (اصول حاکم بر متن به عنوان یک کل) (همان: ۱۷۰).

اعتباریابی داده‌ها

در اعتباریابی داده‌ها از نمونه‌گیری معیاری استفاده شد. بدین شکل که از بین منابع متعدد حدیثی، منابع متقدم که اعتبار بیشتری در حوزه حدیث دارد بررسی، و روایات آن انتخاب شد. غالب روایات مطرح شده، در زمره روایات مسند جای می‌گیرد.

یافته‌های پژوهشی

در این پژوهش تمامی روایات امام رضا (ع) و برخی از روایات مرتبط و مؤید از دیگر ائمه (ع) شناسایی شد. سپس با استفاده از روش تحلیل تماتیک، این روایات دسته‌بندی، سازمان‌بندی و مقوله‌بندی شد، و مقوله‌ها و کدهای مربوط به آن در قالب جدولی مفهومی تنظیم گردید. کدهای مرتبط با کارکردهای قلب، ویژگی‌های قلب، احوالات قلب، اسباب حیات قلب و آسیب‌های قلب به شرح جداول ذیل است:

جدول شماره ۱: شناسه‌گذاری اولیه و ثانویه روایات قلب

| ردیف | کدهای اولیه | کدهای ثانویه | مضمون اصلی |
|------|----------------------------|---------------|--------------------------|
| ۱ | سلطان قوای ملکیه و ملکوتیه | کارکردهای قلب | معرفت‌شناسی و جایگاه قلب |
| ۲ | جایگاه سلوک عرفانی | | |
| ۳ | وسیله دریافت معارف شهودی | | |

| ردیف | کدهای اولیه | کدهای ثانویه | مضمون اصلی |
|------|-----------------------------------|--------------|------------|
| ۴ | حقیقت وجودی انسان | | |
| ۵ | جایگاه درک الهامات | | |
| ۶ | ابزار و منبع معرفت | | |
| ۷ | جایگاه یقین و باور | | |
| ۸ | محل اخذ تجلیات و فیض رحمانی | | |
| ۹ | امکان رؤیت پروردگار با چشم قلب | | |
| ۱۰ | رؤیت قلبی با انقطاع از دیگران | | |
| ۱۱ | پیامبر (ص) و رؤیت قلبی پروردگار | | |
| ۱۲ | اثبات رؤیت قلبی و انکار رؤیت بصری | | |
| ۱۳ | نظر به ظاهر و باطن ملک و ملکوت | | |
| ۱۴ | گشوده‌شدن چشم قلب در امور اخروی | | |
| ۱۵ | قلب: محل تحدیث ملائکه | | |
| ۱۶ | قلب: شنوای هدیه الهی | | |
| ۱۷ | درخواست گشایش در قوه سامعه قلب | | |
| ۱۸ | استشمام بوی نبوت به وسیله قلب | | |
| ۱۹ | قلب: مالک حواس | | |
| ۲۰ | قلب: آینه عمل انسان | | |
| ۲۱ | تأثیرپذیری از رفتار | | |
| ۲۲ | تداوم کمال قلب | | |
| ۲۳ | محل نزول و دریافت وحی | | |
| ۲۴ | تجلی اراده خداوند در قلب مؤمن | | |
| ۲۵ | اشتغال به طاعات الهی | | |
| ۲۶ | اشتغال به شکرگزاری | | |
| ۲۷ | ایمان به امام غائب در قلب مخلصین | | |
| ۲۸ | اتصاف به نورانیت و طهارت | | |
| ۲۹ | اتصاف به خشوع و خوف الهی | | |

| ردیف | کدهای اولیه | کدهای ثانویه | مضمون اصلی |
|------|--|----------------|------------|
| ۳۰ | اتصاف به ایمان و اخلاص | | |
| ۳۱ | ارتقای بصیرت در حالت نشاط | احوال قلب | |
| ۳۲ | ملالت در حالت ادبار | | |
| ۳۳ | ضرورت بهره‌گیری در حالت اقبال | | |
| ۳۴ | ضرورت رهاسازی در حالت سستی و فتور | | |
| ۳۵ | علم: باعث حیات قلب | اسباب حیات قلب | |
| ۳۶ | اخلاص: سبب حیات قلب | | |
| ۳۷ | باورها و رفتارهای حیات‌بخش قلب | | |
| ۳۸ | محبت و ولایت اهل بیت (ع): سبب تطهیر قلب | | |
| ۳۹ | حضور در مجالس اهل بیت (ع): کلید حیات قلب | | |
| ۴۰ | ذکر قلبی: حیات‌بخش قلب | | |
| ۴۱ | توبه: حیات‌بخش قلب | | |
| ۴۲ | حب دنیا: سبب ممات قلب | آسیب‌های قلب | |
| ۴۳ | کینه: زمینه‌ساز ممات قلب | | |
| ۴۴ | کفر و شرک: باعث سقوط قلب | | |
| ۴۵ | خوردن خون: عامل قساوت قلب | | |
| ۴۶ | آرزوهای بلند: عامل قساوت قلب | | |
| ۴۷ | دشمنی اهل بیت (ع): باعث اعراض قلب از حق | | |
| ۴۸ | روزه عاشورا: باعث مسخ قلب | | |
| ۴۹ | انحراف از ولایت: سبب احتجاب قلب | | |
| ۵۰ | فراموشی یاد خدا: باعث احتجاب قلب | | |
| ۵۲ | نشناختن خداوند: باعث احتجاب قلب | | |
| ۵۳ | سوءظن به مؤمنان: باعث خروج روح ایمان | | |
| ۵۴ | اذیت اولیای الهی: باعث خروج روح ایمان | | |

۱. کارکردهای قلب

واژه «قلب» در فارسی به «دل» ترجمه می‌شود و در حقیقت، از این رو «قلب» نامیده‌اند که منقلب و دگرگون می‌شود. در نصوص اسلامی، چهار معنا و کارکرد برای «قلب» ذکر شده است: اندام تصفیه خون، مرکز اندیشه یا عقل، مرکز شناخت شهودی، و به معنای روح (نک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۴۲).

۱. مرکز قوای جسمانی به عنوان اندام تصفیه‌کننده خون، یا همان قلب صنوبری که با پمپاژ، خون را به همه نقاط بدن می‌رساند تا غذای سلول‌های بدن تأمین شود (نک: طب الرضا، ۱۴۰۲: ۳۰).^۱ بنا بر نصوص رضوی، خوراکی‌هایی نظیر کدو (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۳۶/۲)،^۲ به (همان: ۳: ۴۱/۲ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۷۲)،^۳ گندُر (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۴۰/۷)،^۴ انار (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۳۵/۲)^۵ و عدس (همان: ۴۱/۲)^۶ باعث سلامتی و تقویت قلب می‌شود.

۲. مرکز فکر و اندیشه: در بستر قوه تعقل و ادراک، شناخت‌های عقلی به وجود می‌آید. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «به‌راستی که در آنچه مطرح شد، یادآوری است برای کسی که دارای قلب باشد» (ق: ۳۷). امام کاظم (ع) می‌فرماید: «منظور از قلب، عقل است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶/۱). بیان حضرت راجع به کارکرد صحیح مرکز تفکر و اندیشه انسان، خردورزی درباره پروردگار متعال و تنبه و تذکر وی در حوزه رسالت‌هایش است.

۳. شهود و وجدان: در این حیطة، قلب جایگاه شناخت شهودی و مرکز شناخت‌ها و آگاهی‌هایی است که حسی و عقلی نیست، بلکه از عمق وجود انسان به طور ناخودآگاه می‌جوشد، مانند عشق که نوعی تجربه درونی است و جز شخص عاشق کسی نمی‌داند که چیست، یا کینه و نفرت و رحم و شفقت.

از دیدگاه احادیث، قلب انسان مانند جسمش دارای حواس است و از این طریق می‌تواند چیزهایی را ادراک کند که از طریق حواس ظاهر و از راه عقل نمی‌تواند. این معنای قلب، منوط به ایجاد زمینه‌های بهره‌وری و رفع موانع آن است. در بیان اخبار، انتساب حکمت به قلب در این عرصه مطرح است؛ همان‌گونه که چشم و گوش، قوای

ادراکی سر انسان است، قلب او نیز از قوای ادراکی برخوردار است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۲/۱)؛^۸ ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۶۹/۲)؛^۹

حواس قلب در سه حیطة رؤیت، سمع و استشمام تبیین شده است؛ رؤیت قلبی پروردگار، که در روایات تفسیری از آن سخن به میان آمده، درباره این معنای قلب سخن می گوید، به این اعتبار که قلب دارای حواس باطنی است و با دیدگان دل که به انوار الاهی روشن شده، حجاب های نورانی از انسان برداشته می شود و به معدن عظمت الاهی متصل می گردد و در نتیجه رؤیت قلبی محقق می شود (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۳)؛^{۱۰} امری که دیدگان سر و اوهام بشر از آن عاجز است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۷۳/۱)؛^{۱۱} و در زمره امتیازات باطنی انسان بوده که اهل بیت (ع) (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۸/۱)؛^{۱۲} طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۸/۱)؛^{۱۳} و کُمل از اولیای الاهی که دارای ولایت آنها هستند به این شهود نائل می آیند و بدون هیچ گونه حجابی خداوند را رؤیت می کنند، چنان که خداوند نیز بدون هیچ حجابی به آنها نظر می کند (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰)؛^{۱۴} شرایط و اسباب تحقق رؤیت قلبی در بیان امام زین العابدین (ع) تصریح شده است:

همانا برای بنده دو چشم است که امور مربوط به دین و دنیايش را می بیند؛ و دو چشمی است که با آن امور مربوط به آخرتش را می بیند؛ پس اگر خداوند خیر بنده ای را بخواهد، دو چشم قلبش را می گشاید و او را به امور مربوط به آخرتش که از نظر او پنهان است، بینا می کند؛ و اگر جز خیر برایش بخواهد، قلب او را از ادراک این معانی عاجز خواهد کرد (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲: ۲۴۰)؛^{۱۵}

افزون بر رؤیت، سمع نیز از قوای ادراک شهودی قلب دانسته شده که راه شنیدن معارف الاهی و هدایت ویژه الاهی را بر انسان هموار می کند. از همین باب، قلب اهل بیت (ع) محل تحدیث ملائکه دانسته شده است (همو، ۱۳۷۸: ۲۱۳/۱)؛^{۱۶} صفار، ۱۴۰۴: ۳۳۸)؛^{۱۷} اهل بیت (ع) قلب شنوا را هدیه الاهی دانسته (برقی، ۱۳۷۱: ۳۱۸)؛^{۱۸} و درخواست گشایش در قدرت سامعه قلب را در قالب ادعیه یادآور شده و به آن توصیه کرده اند (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۲۶)؛^{۱۹} همچنان که از قفل قوه سامعه قلب بر حذر داشته اند (برقی، ۱۳۷۱: ۳۱۸).

سومین قوه ادراکی قلب، قوه شامه است؛ انسان علاوه بر چشم و گوش باطنی، حس شامه و بویایی قلبی نیز دارد. از این رو، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من نور وحی و رسالت را می‌بینم و شمیم نبوت را می‌بوییم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).^{۲۰} همه این شهودات در محضر الاهی بوده (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۵۸)^{۲۱} و خداوند به آنچه در دل‌های عارفان می‌گذرد آگاه است (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۷۳/۲).^{۲۲}

۴. به معنای روح: روح، مبدأ اصلی تمامی ادراکات انسانی است و حادثی که قلب را جایگاه خرد می‌داند به این معنا اشاره دارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۰/۸).^{۲۳} در این صورت، مغز، که به حواس پنج‌گانه مربوط است، در طول قلب قرار دارد نه در عرض آن. بر پایه این تصور، می‌توان گفت جایگاه عقل، دماغ است؛ زیرا ادراکات انسانی، از طریق مغز به روح منتقل می‌شود و می‌توان گفت جایگاه عقل، قلب است؛ چراکه وقتی قلب به معنای روح باشد، مبدأ تمامی ادراکات حسی، عقلی و شهودی است (نک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۴۳)، چنان‌که در روایت وارد شده است که قلب مالک حواس است و کارهای آنها را تصحیح می‌کند و آنچه را قلب درست کرده است چیزی نمی‌تواند باطل کند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۷۳).^{۲۴}

۲. ویژگی‌های قلب

در گستره احادیث حوزه قلب، در دو حیطة معنایی شناخت شهودی و روح، ویژگی‌هایی برای قلب استنباط می‌شود، از جمله: محل چشمه‌های حکمت و علم، محل نزول وحی الاهی، متعلق اراده الاهی، معدن نور الاهی، مالک حواس، آئینه رفتار و جایگاه کمالات انسانی. تحلیل روایی این خصائص چنین است:

الف. بنا بر احادیث نقل‌شده، قلب انسانی محل چشمه‌های حکمت و علم است. پروردگار متعال به بندگان مختار خود، شرح صدر عنایت می‌کند، چشمه‌های حکمت را در قلب آنها به ودیعت می‌گذارد و دانش و علم افزون را به ایشان الهام می‌کند. این فیض الاهی، انسان را به طریق صواب راهنمایی می‌کند و از خطا و لغزش مصون می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۲/۱)؛^{۲۵} بندگان الاهی که رفتار و کردار خویش را با هدف جلب

تحلیل عرفانی جایگاه قلب با تکیه بر روایات امام رضا (ع) / ۱۵۹

رضای الاهی انجام دهند و اعمالشان را به وصف «اخلاص» متصف کنند، از این فیض برخوردار خواهند شد (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۶۹/۲) و از عذاب الاهی ایمن خواهند بود (همان: ۱۳۷/۲).^{۲۶}

ب. قلب آینه عمل انسان است و رفتارهای نیک یا ناپسند در آن تأثیر می‌کند (عاملی، ۱۳۷۹: ۴۴).^{۲۷}

پ. این ساحت انسانی در آخرت هم تکامل دارد و حجاب‌هایش رفع‌شدنی است (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۰/۲).^{۲۸}

ت. محل نزول و دریافت وحی است (قمی، ۱۴۰۴: ۲۷۸/۲).^{۲۹}

ج. مکان قلب جهت اخذ اراده الاهی از دیگر ویژگی‌های قلب است. بنا بر روایت، پروردگار متعال قلوب ائمه (ع) را محل اراده خویش قرار داده است. بر این اساس، آنها هر چه خدا بخواهد اراده می‌کنند و اراده‌ای غیر از اراده الاهی در قلبشان نیست (صفار، ۱۴۰۴: ۵۱۷).^{۳۰}

ح. قلب جایگاه یقین و باور است که این باور قلبی مراتبی دارد (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۷).^{۳۱} و از ارکان ایمان است (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۲۲۷/۱ و ۱۲۱/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۷۲/۱).^{۳۲} برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۷).^{۳۳}

خ. قلب، مالک و هدایتگر حواس است؛ به این اعتبار که نیت و اعتقاد انسان و دواعی و انگیزه‌های فعل او در قلب است و بر اساس باور قلبی، عمل انسان ارزش‌گذاری می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۷۳).^{۳۴}

د. قلب جایگاه فهم و شناخت است (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۷۶/۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۷۳).^{۳۵}

ر. قلب معدن نور الاهی است (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۵۱) و انوار الاهی در آن متجلی می‌شود.

ز. همچنین، قلب به کمالات و فضایل انسانی مختلفی متصف می‌شود، از جمله: ایمان (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۸: ۳۰۴/۱)،^{۳۸} اخلاص (همو، ۱۳۷۸: ۶۹/۲)، خشوع (مجلسی، ۱۴۰۳:

۲۳۸/۹۹)،^{۳۹} شکرگزاری (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۲۸)،^{۴۰} سلامت از رذایل (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۸/۲)،^{۴۱} اطاعت‌پذیری (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳۸/۹۹)، خوف از خداوند (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۲۱۱/۱)،^{۴۲} همان: ۱۷۳/۲)،^{۴۳} نورانیت (همان: ۲۰۰/۲؛^{۴۴} ابن‌طاووس، ۱۴۱۱: ۳۰۰)،^{۴۵} هدایت (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۶۰/۲)^{۴۶} و طهارت (همان: ۲۹۵/۱).^{۴۷} در تحلیل کمالات انتسابی به قلب می‌توان از قلب مؤمن، شاکر، عالم، خائف، سلیم، نورانی، خاشع، اقبال‌کننده، مطیع، طاهر، هدایت‌یافته و قلب خالص نام برد.

۳. احوالات قلب

در احادیث، احوالاتی به قلب نسبت داده می‌شود که آنها را می‌توان از جمله احساسات و انفعالات باطنی قلب دانست، نظیر: ترس و حسرت، صمیمیت و کدورت، و روی‌آوری و روی‌گردانی. بر این اساس، میل و گرایش قلب انسان متغیر است و به تعبیر اخبار، گاهی با اقبال و نشاط مواجه است و زمانی گرایش او با سستی و فتور مواجه می‌شود. توصیه رضوی، بهره‌مندی بیشتر از قلب در حال اقبال و نشاط و رهاسازی قلب در ایام ملالت و سستی آن است؛ همچنان که حال اقبال، زمینه بیناسازی و فهم قلب است، حالت ادبار قلب نیز به ملالت و دل‌مردگی می‌انجامد (حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۷؛ ۴۸: ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۰۸/۲؛^{۴۹} همان: ۱۱۱/۲).^{۵۰}

۴. اسباب حیات قلب

در برابر آسیب‌ها و بیماری‌های قلب، اموری است که باعث حیات قلب می‌شود و نشاط و اقبال آن را به همراه دارد. سه حیطة در خصوص اسباب حیات عبارت‌اند از: ۱. مبانی و مقدمات لازم در کسب معرفت و شناخت؛ ۲. باورها و رفتارهایی که ارتباط فرد با پروردگار متعال را تقویت می‌کند؛ ۳. باورها، رفتارها و عواطفی که ارتباط فرد با اهل بیت (ع) را قوام می‌بخشد.

علم‌آموزی از جمله اسباب حیات قلب است که به اعتبار نقش زمینه‌ایش می‌تواند

بایه و اساس تلاش‌های علمی و عملی فرد را سامان بخشد. شناخت طریق و تکلیف

مد نظر شارح، بدون کسب مقدمات و دانش‌های مربوط به آن محقق نمی‌شود (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۸).^{۵۱}

در حیطة دوم می‌توان از یاد خدا (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۱)،^{۵۲} ذکر قلبی (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۳۴؛^{۵۳} ابن طاووس، ۱۳۳۰: ۲۲۶)، اخلاص (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۶۹/۲)،^{۵۴} توبه (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۶۲)،^{۵۵} تزکیه (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱)^{۵۶} نام برد که زمینه‌ساز تعامل مطلوب انسان با پروردگار متعال است. از نظرگاه عرفانی، دل منبع رؤیت قلبی و معرفت شهودی است و راه وصول به این شهود و حیات، ذکر قلبی است که نشانه‌هایی دارد:

از جمله نشانه‌ها و علامات ذکر قلبی آن است که انسان ذاکر در برابر خود چشمه‌ای از نور می‌بیند که به سرعت هر چه تمام‌تر جریان دارد و انسان سالک با دیدن آن، در خود احساس آرامش می‌کند. این نور چنان ظهوری دارد که سالک ظاهر و باطن خود را مملو از آن احساس می‌کند و بابتی باز می‌شود که قلب و روح قدسی از آن بیرون می‌آیند (نجم‌الدین رازی، ۱۴۲۶: ۱۵۹).

سومین حیطة از اسباب حیات قلب، با اهل بیت (ع) ارتباط دارد که مودت و دوستی ایشان مطابق «آیه مودت» و روایات بر مسلمانان واجب شده و داشتن این محبت، سبب صفا و صمیمیت قلبی پیامبر (ص) در نسبت با امتش دانسته شده است (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۲۳۴/۱).^{۵۷} به فرمایش رضوی، این محبت و ولایت حجاب‌ها را از قلب برداشته (برقی، ۱۳۷۱: ۶۰) و آن را از پلیدی گناهان تطهیر کرده و سبب حیات آن می‌شود (طبرسی، ۱۴۰۳: ۵۲/۱)، همچنان که نمود و مصادیق این محبت از جمله حضور در مجالس ذکر اهل‌البیت (ع) و صلوات بر محمد و آل محمد نیز عامل مؤثری در باب حیات قلب است. امام رضا (ع) ذکر مصائب اهل بیت (ع) و حضور در محفل انس با ایشان را عامل حیات قلب در دنیا و ایمنی از ناراحتی و اضطراب قیامت دانسته‌اند (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۲۹۴/۱)؛^{۵۸} صلوات بر پیامبر و اهل بیت (ع) نیز حجاب ظلمانی را از قلب می‌زداید و حیات و نورانیت را به انسان ارزانی می‌دارد (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۱).

این رویکرد با توجه به نقش تعالیم ارزنده اهل بیت (ع) در احیای قلب در خور تأمل است؛ همچنان که ظهور امام زمان (عج) به عنوان آخرین خلیفه الهی بر زمین، خود مصداق بارز حیات قلب دانسته شده و این به اعتبار نقش هدایتی و کارکرد راهبری اهل بیت (ع) فهم می‌شود و بر همین اساس در ادعیه مأثور، بسامد طلب ظهور حضرت در خور توجه است (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۸۵-۸۷).^{۵۹}

۵. آسیب‌ها و امراض قلب

آسیب‌های قلب از مباحث مهم حوزه قلب است. شناخت آسیب‌ها و امراضی که ممکن است قلب در طول حیاتش با آن مواجه شود، نقش شایانی در پیش‌گیری از ابتلا به امراض و درمان آن دارد. چهار محور کلی قساوت، مسخ، احتجاب، و خروج روح ایمان از جمله مؤلفه‌های اصلی در رویکرد آسیب‌شناختی به قلب است و هر یک، از عناصر و زیرمجموعه‌هایی نشئت می‌گیرد. روایات رضوی راه‌گشای فهم این آسیب‌ها و زمینه‌ساز اهتمام به جلوگیری از ابتلای به آن است. تحلیل احادیث این حوزه نشان می‌دهد:

قساوت و دل‌مردگی قلب آسیبی جدی است که راه فهم انسان به مبادی معرفت و هدایت را مسدود می‌کند و در حالت شدت خود، به طبع و مهر قلب می‌انجامد، به طوری که هیچ یک از اسباب و اسلوب‌های هدایت در فرد تأثیر نمی‌گذارد و وی را با فرجام سوء قرین می‌کند. منشأ و علل این آسیب، حب دنیا (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۲۹۸/۱)،^{۶۰} کفر (همان: ۱۲۳/۱؛^{۶۱} ۱۳۱/۱)،^{۶۲} کینه (ابن طاووس، ۱۴۱۴: ۴۲/۱)،^{۶۳} گمراهی (همو، ۱۳۳۰: ۲۲۶)، طول امل و بلندبودن آرزو (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳/۲؛^{۶۴} اربلی، ۱۳۸۱: ۳۵۰/۲)،^{۶۵} خوردن خون (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ۹۴/۱)^{۶۶} و بسیارنگریستن به مرده (همان: ۱۱۴/۲)^{۶۷} است که باعث طبع، قساوت و مردن قلب می‌شود. اینها از بیماری‌هایی است که ابتلا به آن، طبیعت فکری و روحی انسان را تغییر می‌دهد و به سبب آن در آدمی، حالت و طبیعتی پدید می‌آید که دیگر نمی‌تواند حقایق عقلی و قلبی را درست تشخیص دهد (همان: ۲۲۰/۱)^{۶۸} و ملاک و مناط تشخیص امور از وی سلب می‌گردد.

فقدان قوه تمییز حق و باطل، عامل ابتلای انسان به بیماری‌ها و آسیب‌ها، و گناهان ناشایست است.

مسخ قلب و دگرگونی آن از دیگر امراض قلب است. بنا بر احادیث، برخی امور باعث مسخ قلب می‌شود و صورت انسانی را زایل می‌کند. دشمنی با اهل بیت (ع) و دوستی با دشمنان آنها موضوعی است که قلب را با آسیب دگرگونی و اعراض دائمی از حق مواجه می‌کند (همان: ۸۱/۲).^{۶۹} روزه روز عاشورا که مصداق و نماد رضایت و همراهی با دشمنان اهل بیت (ع) دانسته شده، قلب انسان را مسخ می‌کند و این دگرگونی تا هنگام ملاقات الاهی با فرد همراه است. به عبارتی، امیدی به خیر و هدایت معاندان اهل بیت (ع) نیست و چنین شخصی خدا را در حالی ملاقات می‌کند که قلبش مسخ شده باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۷/۴).^{۷۰}

سومین آسیب در عرصه بیماری‌های قلب، احتجاب آن است. در اثر حجاب قلب، راه بر دریافت معارف و انوار الاهی مسدود، و شخص از رحمت الاهی دور می‌شود. انحراف از طریق ولایت از آسیب‌هایی است که موجب احتجاب قلب می‌شود. امام رضا (ع) با دعای خویش شخص واقعی را از این آسیب نجات دادند و به طریق حق راهنمایی کردند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۳/۴۸).^{۷۱} فراموشی و نسیان ذکر الاهی (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۱) و نشناختن خداوند (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۲)^{۷۲} از دیگر آسیب‌های قلب است که باعث احتجاب آن می‌شود. چنانچه در نصوص دینی شناخت پروردگار به عنوان رسالت توحیدی هر فرد شناخته شده و خودشناسی و خداشناسی مساوق یکدیگر دانسته شده است. در مقابل، غفلت از شناخت و معرفت توحیدی، رفته‌رفته قلب فرد را در حجاب ظلمانی فرو می‌برد و بستر و زمینه دریافت نور هدایت از وی سلب می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸۸).^{۷۳}

چهارمین محور در آسیب‌های قلب، خارج شدن روح ایمان از قلب است. قلب آدمی بر اساس فطرت الاهی به دعوت حق متمایل است و ندای حقیقت را با صدای فطرت خویش درمی‌یابد. همچنین، حفظ ایمان و بقای بر آن و هدایت، رسالت محوری انسان

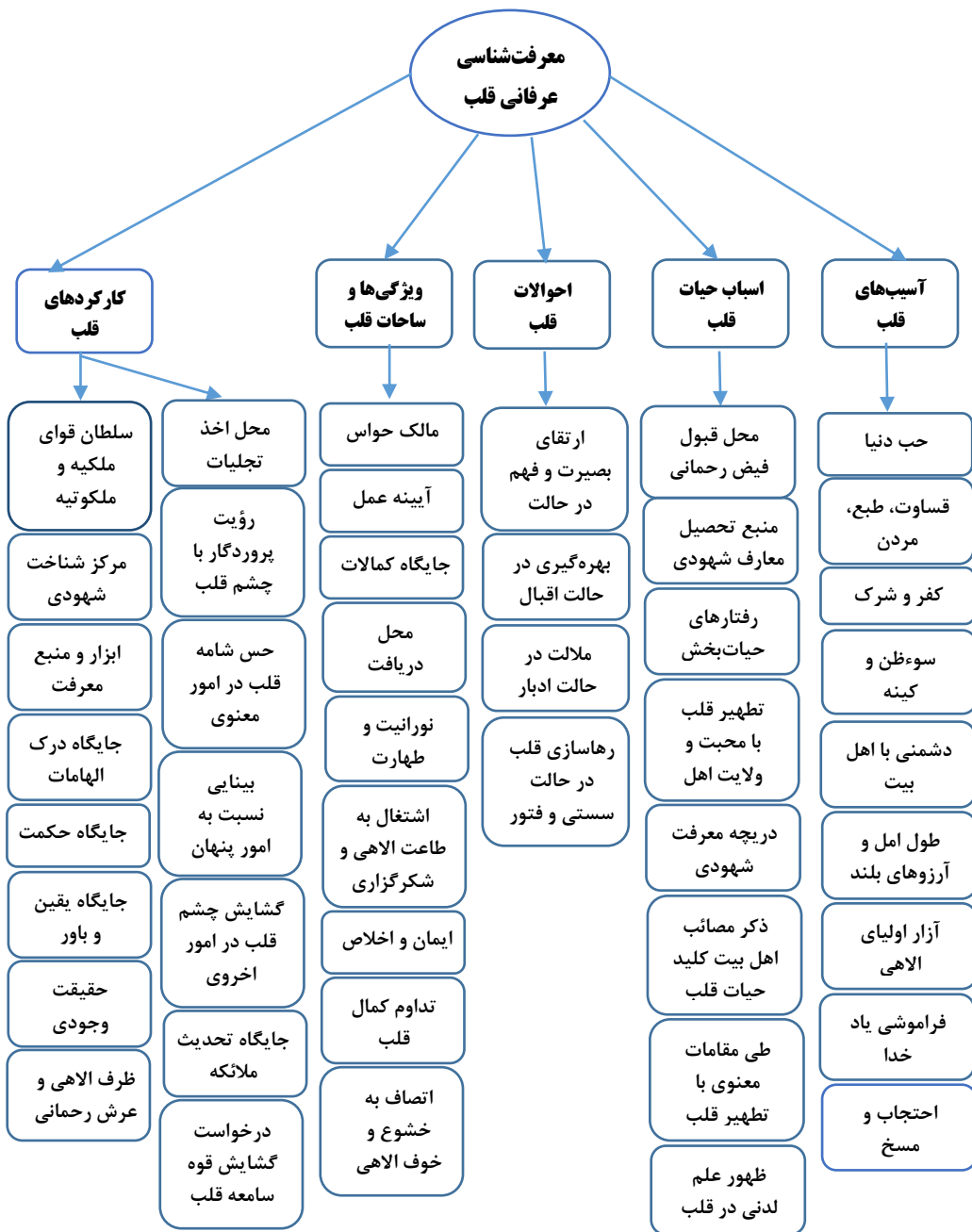
است؛ چه بسا فرد از مرحله هدایت اولیه عبور کرده و قلبش به انوار ایمان الاهی مزین شده باشد، ولی بر اثر ابتلا به اموری، روح ایمان از وی سلب شود. امام رضا (ع) در کلام خویش به عبدالعظیم حسنی، پس از ابلاغ سلام به شیعیان و بیان توصیه‌های مهمی در جهت بهبود و توسعه روابط اجتماعی بین مؤمنان، اذیت و آزار اولیای الاهی و سوءظن به یکدیگر را در کنار شرک به پروردگار عامل خروج روح ایمان از قلب معرفی می‌کند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴۷).^{۷۴}

نتیجه پژوهش

هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل روایات رضوی درباره آموزه قلب بود. برای این منظور از روش تحلیل محتوای کیفی - مضمون‌محور (تماتیک) استفاده شد. سپس این مقوله‌ها و معیارها احصا و تأیید شد. چنان‌که در شبکه مضامین (نمودار ۱) ذکر می‌شود، روایات مربوط به قلب در پنج مقوله کارکرد قلب، ویژگی‌ها و ساحات قلب، احوالات قلب، اسباب حیات قلب و آسیب‌ها و امراض قلب می‌گنجد. کارکرد قلب در حیطه جسمانی به مثابه محور اصلی حیات انسان و در حیطه معنوی به مثابه ابزار و منبع شناخت و معرفت، جایگاه درک الهامات رحمانی، منبع فیوضات الاهی و متصف به حواسی همچون رؤیت، سمع و استشمام است که شرط هدایت و عامل افتتاح فیوضات قدسیه است. از ویژگی‌ها و ساحات قلب می‌توان به تجلی اراده خداوند، مصدر کمالات، اشتغال به طاعات و شکرگزاری، تأثیرپذیری از رفتار و اعمال اشاره کرد. معرفت‌شناسی عرفانی قلب در حیطه احوال قلب به دو مؤلفه اساسی اقبال و ادبار قلب تقسیم می‌شود. برخی عوامل سبب حیات قلب می‌شود. قلب، محل قبول فیض رحمانی، منبع تحصیل معارف شهودی، رفتارها و باورهای حیات‌بخش و باب معارف الاهی است. کفر و شرک، سوءظن، حب دنیا، عداوت با اهل بیت (ع) و بروز رفتارهای معاندانه از جمله موانع قلبی است. مضمون اصلی مفاهیم و کدهای اولیه و ثانویه، ناظر به حیثیت و کارکردهای مختلف و مؤلفه‌های مؤثر در تعالی قلب به ساحت قدس

ربوبی است. قلب یگانه منبع برای تحصیل معارف شهودی و اشراقی و جایگاه سلوک عرفانی است. ساحت‌های پیدا و پنهان در نظر به ملک و ملکوت به قلب تعلق دارد و با پیرایش از حجب ظلمانی و نورانی، محبوب در آن تجلی خواهد کرد. قابلیت دریافت فیض ربانی در قلب است و در مسیر تکامل عرفانی بر فرآیندی تکیه دارد که طی مقامات و سیر و سلوک و فتوحات غیبی بر تهذیب و تزکیه قلب متعین است.

نمودار ۱: شبکه مضامین تحلیل عرفانی روایات قلب



پي نوشتها

١. «عن الرضا (ع): ... فملك الجسد هو القلب، والعمال العروق في الأوصال والدماغ، وبيت الملك قلبه، وأرضه الجسد، والأعوان يداه ورجلاه وعيناه وشفته ولسانه واذناه».
٢. «عن الرضا (ع): إذا طبختم فأكثروا القرع فإنه يسيل (يسر) قلب الحزين».
٣. «عن الرضا (ع): ... فإنها (سفرجلة) تجم القلب».
٤. «عن الرضا (ع): عليكم بالسفرجل، فإنه يجلو القلب و يذهب بطحاء الصدر».
٥. «عن الرضا (ع): أطمعوا حبلاكم اللبان فإن يكن في بطنها غلام خرج ذكي القلب عالما شجاعا، و إن تكن جارية حسن خلقها و خلقتها».
٦. «عن الرضا (ع): كلوا الرمان، فليست منه حبه تقع في المعدة إلا أنارت القلب، و أخرجت الشيطان أربعين يوما».
٧. «عن الرضا (ع): عليكم بالعدس فإنه مبارك مقدس، يرقق القلب و يكثر الدمعة».
٨. «عن الرضا (ع): ... و إن العبد إذا اختاره الله عزّ و جلّ لامور عباده، شرح صدره لذلك، و أودع قلبه ينابيع الحكمة، و ألهمه العلم إلهاما».
٩. «عن الرضا (ع): ما أخلص عبد لله عزّ و جلّ أربعين صباحا إلا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه».
١٠. «الهي هب لي كمال الإنقطاع إليك و أنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك حتى تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل إلى معدن العظمة».
١١. «عن الرضا (ع): «لا تُدرِكهُ الأَبْصارُ وَ هُوَ يَدْرِكُ الأَبْصارَ وَ هُوَ اللطيفُ الخبيرُ» هذه الابصار ليست هي الأعين، إنما هي الأبصار التي في القلب، لا يقع عليه الأوهام و لا يدرك كيف هو».
١٢. «عن الرضا (ع): قال رسول الله (ص): لما اسرى بي إلى السماء بلغ بي جبرئيل مكانا لم يطأه قطّ جبرئيل فكشف له فأراه الله من نور عظمته ما أحب».
١٣. «و حملت على جناح جبرئيل حتى انتهيت الى السماء السابعة. فجاوزت سدرة المنتهى عندها جنة المأوى، حتى تعلقت بساق العرش، فنوديت من ساق العرش «انى انا الله لا إله الا انا السلام المؤمن المهيم العزيز الجبار المتكبر الرؤوف الرحيم»، و رأيت به قلبي و ما رأته بعيني».
١٤. «عن الرضا (ع): من سرّه أن ينظرَ إلى الله بغيرِ حجابٍ و ينظرَ الله إليه بغيرِ حجابٍ فليَتَوَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ و لِيَتَبَرَّأ مِن عَدُوِّهِمْ و لِيَأْتَمَّ بِإِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَظَرَ اللهُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ وَ نَظَرَ إِلَى اللهِ بِغَيْرِ حِجَابٍ».

الله بعد خیرا فتح له العینین اللتین فی قلبه، فأبصر بهما الغیب فی أمر آخرته، و إذا أراد به غیر ذلك ترك القلب بما فيه».

١٦. «عن الرضا (ع): لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ ... وَ لَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَ يَكُونُ مُحَدَّثًا».
١٧. «عن الصادق (ع): وَالْمُحَدَّثُ الَّذِي يَسْمَعُ كَلَامَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَنْقَرُ فِي أُذُنِهِ وَ يَنْكُتُ فِي قَلْبِهِ».
١٨. «عن الصادق (ع): يَا سَلِيمَانَ، إِنْ لَكَ قَلْبًا وَ مَسَامِعَ، وَ إِنْ لِلَّهِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَهْدِيَ عَبْدًا فَتُفْتَحُ مَسَامِعُ قَلْبِهِ، وَ إِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ خَتَمَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ فَلَا يَصِلُحُ أَبَدًا، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا».
١٩. «اللَّهُمَّ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ، وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ وَ لَا تَزَعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي».

٢٠. «أرى نور الوحي والرسالة، و اشم ريح النبوة».
٢١. «عن الرضا (ع): اللَّهُمَّ مَشَاهِدُ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ وَ مُرَاصِدُ حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ».
٢٢. «عَنْ الرَّضَا (ع): يَا عَالِمَ خَطَرَاتِ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ».
٢٣. «عن الصادق (ع): الْعَقْلُ مَسْكَنُهُ فِي الْقَلْبِ».
٢٤. «فَدَلَّ الْقُرْآنَ وَ اخْبَارَ الرَّسُولِ (ص) أَنَّ الْقَلْبَ مَالِكٌ لِجَمِيعِ الْحَوَاسِّ يَصْحَحُ أَفْعَالُهَا، وَ لَا يَبْطُلُ مَا يَصْحَحُ الْقَلْبَ شَيْءٌ».

٢٥. «عن الرضا (ع): ... وَ إِنْ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ، شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ، وَ أَوْدَعَ قَلْبَهُ بِنَابِعِ الْحِكْمَةِ، وَ أَلْهَمَهُ الْعِلْمَ الْإِلَهَامًا».
٢٦. «عن الرضا (ع): قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ لَأِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ اسْمِي مَنْ قَالَهُ مُخْلِصًا مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَدَائِي».
٢٧. «عن الهادي (ع): لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَ لَا النَّصِحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَاتَّمَا قَلْبَ غَيْرِكَ لَكَ كَقَلْبِكَ لَهُ».

٢٨. «عن الرضا (ع): مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
٢٩. «عن الهادي (ع): وَ قَوْلُهُ: وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّكَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا ... قَالَ: وَحْيٌ مُشَافَهَةٌ وَ وَحْيٌ إلهَامٌ وَ هُوَ الَّذِي يَقَعُ فِي الْقَلْبِ».

٣٠. «عن الهادي (ع): قَالَ إِنْ اللَّهُ جَعَلَ قُلُوبَ الْإِنَّمَةِ مُرَدًّا لِإِرَادَتِهِ فَإِذَا شَاءَ اللَّهُ شَيْئًا شَاؤُهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ مَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يُشَاءَ اللَّهُ».

٣١. «سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ لِإِبْرَاهِيمَ (ع): «أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ؟ قَالَ: بَلَى، وَ لَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي» كَانَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ؟ قَالَ: لَا، كَانَ عَلَى يَقِينٍ؛ وَ لَكِنَّهُ أَرَادَ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ فِي يَقِينِهِ».

٣٢. «عن الرضا (ع): الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، لَا يَكُونُ الْإِيمَانُ إِلَّا هَكَذَا».

٣٣. «عن الرضا (ع): ... والإيمان هو أداء الأمانة واجتناب جميع الكبائر و هو معرفة بالقلب و إقرار باللسان و عمل بالأركان».

٣٤. «عن الرضا (ع) ... كان جعفر (ع) يقول «فَمُسْتَقْرٌ وَ مُسْتَوْدَعٌ» فالمستقر قوم يعطون الإيمان و يستقر في قلوبهم، والمستودع قوم يعطون الايمان ثم يسلبونه».

٣٥. «فدل القرآن و اخبار الرسول (ص) أن القلب مالک لجميع الحواس يصحح أفعالها، و لا يبطل ما يصحح القلب شيء».

٣٦. «عن الرضا (ع): و اعلم أن كلما أوجدتک الحواس فهو معنى مدرك للحواس، و كل حاسة تدل على ما جعل الله عز و جل لها في إدراكها، والفهم من القلب بجميع ذلك كله».

٣٧. «عن العسکری (ع): المشكاة قلب محمد».

٣٨. «عن الرضا (ع): عن علي (ع): التاسع من ولدک يا حسين هو القائم بالحق، ... فلا يثبت فيها على دينه إلا المخلصون المباشرون لروح اليقين الذين أخذ الله عز و جل ميثاقهم بولايتنا و كتب في قلوبهم الإيمان و أيدهم بروح منه».

٣٩. «عن العسکری (ع): ... و اشغل قلبي بطاعتك، و لسانى بذكرك، و جوارحى بما يقربنى منك. اللهم ارزقنى قلبا خاشعا».

٤٠. «عن الرضا (ع): ... طوبى لمن شغل قلبه بشكر النعمة».

٤١. «عن الجواد (ع): و أسألك يا رب قلبا سليما».

٤٢. «عن الرضا (ع): و ما بين ذلك هم أهل الدين والورع والسمت الحسن والتواضع لله عز و جل خاشعة ابصارهم و جلّة قلوبهم لذكر الله عز و جل و قد عرفوا حق و لايتك».

٤٣. «عن الرضا (ع): يا من ... و جلّت القلوب من خيفته».

٤٤. «عن الرضا (ع): ... قال (الراوي) فما وجه إخباركم بما في قلوب الناس قال (ع) له أ ما بلغك قول الرسول ص اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله».

٤٥. «عن الهادي (ع): و ازرع في قلبي من نورك».

٤٦. «عن الرضا (ع): قال علي (ع) دعا لى النبي (ص) فقال اللهم اهد قلبه و انشرح صدره».

٤٧. «عن الرضا (ع): عن النبي (ص): ... فاسألوا الله ربكم بنيات صادقة و قلوب طاهرة أن يوفقكم لصيامه».

٤٨. «عن الرضا (ع): إن للقلوب إقبالا و إدبارا و نشاطا و فتورا، فاذا أقبلت بصرت و فهمت و إذا أدبرت كلت و ملت، فخذوها عند إقبالها و نشاطها، و اتركوها عند إدبارها و فتورها».

٤٩. «عن الرضا (ع): لأن القلوب فيها أخلى من الفكر لقلّة معاملات الناس بالليل و لقلّة الأخذ و الأعطاء

- فَالْإِنْسَانَ فِيهَا أَقْبَلُ عَلَى صَلَاتِهِ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ».
٥٠. «عن الرضا (ع): لَأَنْ فِي رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِحْضَارَ النَّبِيِّ وَإِقْبَالَ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ».
٥١. «عن الرضا (ع): إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةَ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ».
٥٢. «عن الجواد (ع): و أما الذكر والنسيان فان قلب الرجل في مثل حق و عليه طبق. فان سمي الله و ذكره و صلى عند نسيانه على محمد و آله انكشف ذلك الطبق و هو غشاوة عن ذلك الحق و أضاء القلب و ذكر الرجل ما كان نسي و ان هو لم يصل على محمد و آله بعد ذكر الله تعالى انطبقت تلك الغشاوة على ذلك الحق فأظلم القلب فنسى الرجل ما ذكر».
٥٣. «عن الجواد (ع): القصد الى الله تعالى بالقلوب ابليغ من اتعاب الجوارح بالاعمال».
٥٤. «عن الرضا (ع) عن آبائه: ما أخلص عبد لله عزّ و جلّ أربعين صباحا إلّا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه».
٥٥. «عن الجواد (ع): اللّهُمَّ أَنْتَ قَصَدْتَ إِلَيْكَ بِاخْتِلاصِ تَوْبَةِ نَصُوحٍ وَ تَثْبِيتِ عَقْدِ صَاحِبِ حَقِّهِ وَ دَعَاءِ قَلْبِ قَرِيحٍ وَ اِعْلَانِ قَوْلِ صَرِيحٍ. اللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي مُخْلِصِ التَّوْبَةِ وَ اِقْبَالَ سَرِيحِ الْاَوْبَةِ».
٥٦. «عن العسكري (ع): ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَ هَلْ شَرَفَتِ الْمَلَائِكَةُ الْاِجْبَاهُ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ قَبُولِهِمَا لَوْلَايَتِهِمَا، وَ اِنَّهُ لَا اِحَدٌ مِنْ مَحْبِبِي عَلِيٍّ قَدْ نَظَّفَ قَلْبَهُ مِنْ قَذْرِ الْغُشِّ وَ الدَّغْلِ وَ نَجَّاسَاتِ الذُّنُوبِ إِلَّا كَانَ اطْهَرَ وَ اَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ».
٥٧. «عن الرضا (ع): ... فَأَحَبُّ إِلَهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَكُونَ فِي قَلْبِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَلَى الْمُؤْمِنِينَ شَيْءٌ فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَوَدَّةَ ذِي الْقُرْبَى».
٥٨. «عن الرضا (ع): مِنْ يَذْكُرُ مَصَائِبَنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعِيُونَ، وَ مِنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ».
٥٩. «عن العسكري (ع): اللّهُمَّ وَ أَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ».
٦٠. «عن الرضا (ع): وَ أَخْرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ فَفِي الدُّنْيَا حَيَاتِكُمْ وَ لِلْآخِرَةِ خَلْقَتُمْ».
٦١. «وَ سَأَلْتَهُ (الرِّضَاعُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ» قَالَ: الْخَتْمُ هُوَ الطَّبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْكُفَّارِ عَقُوبَةُ عَلِيٍّ كَفَرَهُمْ كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ «بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»».
٦٢. «عن الرضا (ع): ... لِكُفْرِهِ بِهِ وَ عَصِيَانِهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا يَجْعَلُ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا حَتَّى يَشُكَّ فِي كُفْرِهِ وَ يَضْطَرِّبَ مِنْ اِعْتِقَادِ قَلْبِهِ».
٦٣. «عن الرضا (ع): وَ لَا تَدْعُنَّ أَمَانَةَ فِي عُنُقِكَ إِلَّا أَدَيْتَهَا وَ فِي قَلْبِكَ حَقْدًا عَلَى مُؤْمِنٍ إِلَّا نَزَعْتَهُ».

۶۴. «عَنْ الرُّضَا (ع): فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ تَعْبُدُهُمْ قِيلَ لِنَا يَكُونُوا نَاسِينَ لِذِكْرِهِ وَ لَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ وَ لَا لَهَايِنَ عَنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ إِذَا كَانَ فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَ قِرَآءَتُهُمْ فَلَوْ تَرَكُوا بِغَيْرِ تَعْبُدٍ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَحَسَّتْ قُلُوبُهُمْ».
۶۵. «عن الجواد (ع): و لا يطولن عليكم الامد فتفسو قلوبكم».
۶۶. «عن الرضا (ع): وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدَّمَ كَتَحْرِيمِ الْمَيْتَةِ ... وَ لِأَنَّهُ ... يورثُ الْقَسْوَةَ لِلْقَلْبِ».
۶۷. «عن الرضا (ع): إِيمًا أَمْرٌ أَنْ يَكْفُنَ الْمَيِّتَ ... لِنَا يَحْسُو الْقَلْبُ مِنْ كَثْرَةِ النَّظَرِ إِلَى مِثْلِ ذَلِكَ لِلْعَاهَةِ وَالْفَسَادِ».
۶۸. «عن الرضا (ع): أَمْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ».
۶۹. «عَنْ الرُّضَا (ع): سَأَلْتُهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) كَيْفَ مَالَ النَّاسُ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ قَدْ عَرَفُوا فَضْلَهُ ... كَانَ حَفِذُهُمْ عَلَيْهِ لِذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ فَلَمْ يَجُوبُوا أَنْ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَكُنْ فِي قُلُوبِهِمْ عَلَى غَيْرِهِ مِثْلُ ذَلِكَ».
۷۰. «سألت الرضا (ع) عن صوم عاشوراء و ما يقول الناس فيه، فقال: ... يوم الاثنين، يوم نحس، قبض الله عزَّ و جلَّ فيه نبيه، و ما أصيب آل محمد إلا في يوم الاثنين فتشأنا به و تبرك به عدونا، و يوم عاشورا قتل الحسين صلوات الله عليه و تبرك به ابن مرجانة و تشأم به آل محمد صلى الله عليهم، فمن صامهما أو تبرك بهما لقي الله تبارك و تعالی ممسوخ القلب، و كان حشره مع الذين سنوا صومهما و التبرك بهما».
۷۱. «عن الرضا (ع): اللَّهُمَّ خذْ بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ مَجَامِعَ قَلْبِهِ حَتَّى تَرُدَّهُ إِلَى الْحَقِّ».
۷۲. «عن الهادي (ع): اعوذ بك ... من كل قلب عن معرفتك محبوس».
۷۳. «عن علي (ع): من عرف نفسه فقد عرف ربه».
۷۴. «عن الرضا (ع): يا عبد العظيم أبلغ عني أوليائي السلام و قل لهم: ... و عرفهم أن الله قد غفر لمحسنيهم و تجاوز عن مسيئتهم إلا من أشرك بي أو أذى وليا من أوليائي أو أضمر له سوءا فإن الله لا يغفر له حتى يرجع عنه فان رجع و إلا نزع روح الإيمان عن قلبه و خرج عن ولايتي و لم يكن له نصيبا في ولايتنا و أعوذ بالله من ذلك».

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۶۲). *النخصال*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران: منشورات جهان، چاپ اول.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). *تحف العقول*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الثانية.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰). *جمال الاسبوع*، قم: دار الرضی، الطبعة الاولى.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱). *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم: دار الذخائر، الطبعة الاولى.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴). *الإقبال بالأعمال الحسنة*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن عربی، محیی‌الدین (بی‌تا). *الفتوحات المکیة*، بیروت: دار الصادر، الطبعة الاولى.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ع)*، عربی، تبریز: بنی‌هاشمی، چاپ اول.
- امام هشتم (ع) (۱۴۰۲). *طب الرضا*، قم: دار النخيام، چاپ اول.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم.
- حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸). *نزهة الناظر و تنبيه الخواطر*، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، الطبعة الاولى.
- حلی، رضی‌الدین علی (۱۴۰۸). *العدد القویة لدفع المخاوف اليومية*، قم: مکتبة آية الله المرعشی، الطبعة الاولى.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج البلاغة*، قم: هجرت، چاپ اول.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات*، قم: مکتبة آية الله مرعشی، الطبعة الثانية.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). *مکارم الأخلاق*، قم: شریف‌رضی، چاپ چهارم.
- طبرسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). *الأمالی*، قم: دار الثقافة، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
عابدی جعفری، حسن؛ و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، در: *اندیشه مدیریت راهبردی*، س ۵، ش ۲ (۱۰)، ص ۱۵۱-۱۹۸.

عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۳۷۹). *الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة*، قم: زائر، چاپ اول.
عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*، تهران: المکتبه العلمیه، الطبعة الاولى.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر القمّی*، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.
محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷). *خردگرایی در قرآن و حدیث*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، چاپ سوم.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶). *إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب (ع)*، قم: مؤسسه انصاریان.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *الاختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لالفة الشیخ المفید، الطبعة الاولى.
ملک محمد، سعید (۱۳۹۸). *انسان شناسی عرفانی در ماثورات امام رضا، امام جواد، امام هادی، امام عسگری و امام مهدی*، رساله دکتری، استاد راهنما: حامد ناجی اصفهانی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
نجم الدین رازی، عبدالله بن محمد (۱۴۲۶). *فوائد الجمال و فواتح الجلال*، مصر: دار السعاد، الطبعة الثانية.
واعظی، رضا؛ و همکاران (۱۳۹۷). «چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون»، در: *مطالعات مدیریت گردشگری*، س ۱۳، ش ۴۱، ص ۱-۴۰.

References

- Abedi Jafari, Hasav; and co-workers (2011). *Tehlil-e Mazmoon wa Shabakay Mazameen: "Rawishi sadeh wa kaar aamad baray tabyeen e-ulgu hay mawjood dar dadeh hay kefi"* in: *Andishey-e Mudiriyat-e Raahbordi*, Q 5, no 2 (10), pp151-198. [In Persian]
- Amili, Muhammad bin Makki (Shaheed al-Avval) (2000). *Al-Durrat al-Bahirat min al-Asdaaf al-Tahirat*, Qom: Zaer, First Edition. [In Arabic]
- Ayyashi, Muhammad bin Masu'd (2001). *Tafsir al-Ayashi*, Tehran: al-Maktab al-Almiyyah, First Edition. [In Arabic]
- Barqi, Ahmed bin Muhammad (1952). *Al-Mahaasin*, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Second Edition, [In Arabic]
- Eighth Imam (a) (1982). *Tibb al-Ridha*, Qom: Daar al-Khayyam, First Edition. [In Arabic]
- Erbil, Ali bin Isa (2002). *Kashf al-Ghummat fi Ma'rifat al-Ai'mmah* (a), Arabic, Tabriz: Bani Hashimi, First Edition. [In Arabic]
- Halvani, Husayn ibn Muhammad (1988). *Al-Nazhat al-Naazir wa Tanbih al-Khawatir*, Qom: Al-Amam Al-Mahdi Institute, First Edition. [In Arabic]
- Hili, Razi Al-Din Ali (1988). *Al-'adad al-Qawiyat al-Mukhawif al-Yawmiyyah*, Qom: Ayatollah Marashi library, First Edition. [In Arabic]
- Ibn Arabi, Muhy al-Din (N.p). *Al-Futuhaat al-Makkiyyah*, Beirut: Daar Al-Sadr, First Edition. [In Arabic]
- Ibn Babawayh Qommi, Muhammad ibn Ali (1983). *Al-Khisaal*, Qom: Jame' Mudarrasin, First Edition. [In Arabic]
- Ibn Babawayh Qommi, Muhammad ibn Ali (1999). *Uyun Akhbaar al-Reza* (a), Tehran: Jahan Publications, First Edition, [In Persian]
- Ibn Babawayh Qommi, Muhammad ibn Ali (2019). *Al-Tawhid*, Qom: Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic], First Edition. [In Arabic]

Archive of SID

تحليل عرفانی جایگاه قلب با تکیه بر روایات امام رضا (ع) / ۱۷۵

- Ibn Shu'ba Haraani, Hasan Ibn Ali (1904). *Tuhaf al-Uqul*, Qom: Al-Nashr al-Islami Institute. [In Arabic], Second Edition. [In Arabic]
- Ibn Tawus, Ali bin Musa (1951). *Jamal al-Ushbu'*, Qom: Daar-e-Razi, First Edition. [In Arabic]
- Ibn Tawus, Ali bin Musa (1991). *Mahj al-Da'waat wa Manhaj al-I'badaat*, Qom: Daar al-Zakhaer, First Edition. [In Arabic]
- Ibn Tawus, Ali bin Musa (1994). *Al-Iqbaal bi al-A'maal al-Hasanat*, Qom: Maktab al-E'laam al-Islaami, First Edition. [In Arabic]
- Kulayni, Muhammad ibn Yaquub (1987). *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah, Fourth Edition. [In Arabic]
- Majlesi, Muhammad Baqir (1403). *Bihar al-Anwar al-Jame'a Li durar al-Akhbaar al-A'immah al-Athaar (a)*, Beirut: Dar al-Hayaat al-Turath al-Arabi, Second Edition. [In Arabic]
- Mas'udi, Ali bin Husayn, (2005). *Ithbaat al-Wasiyat li al-Imam Ali ibn Abi Talib (a)*, Qom: Ansariyan Institute.
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1993). *Al-Ikhtisaas*, Qom: The World Congress of the Millennium Sheikh Al-Mufid, First Edition. [In Arabic]
- Muhammadi Reyshahri, Muhammad (2008). *Khordgarai Dar Qur'an wa Hadith*, Qom: Scientific Foundation of Dar Al-Hadith, Fourth Edition. [In Persian]
- Najmuddin Razi, Abdullah bin Muhammad (2005). *Fawaih al-Jamal and Fawatah al-Jalal*, Egypt: Dar al-Sa'd, Second Edition. [In Arabic]
- Qommi, Ali ibn Ibrahim (1984). *Tafsir al-Qummi*, Qom: Dar al-Kitab, Third Edition. [In Arabic]
- Saffaar, Muhammad bin Hasan (1990). *Basair al-Darajaat*, Qom: Ayatollah Marashi library, Second Edition. [In Arabic]
- Sharif al-Razi, Muhammad ibn Husayn (1994). *Nahj al-Balagha*, Qom: Hijrat, First Edition. [In Arabic]

- Tabari, Hasan ibn Fazl (1992). *Makarim al-Akhlaaq*, Qom: Sharif Razi, Fourth Edition. [In Arabic]
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali (1983) *Al-ihitjaaj ala ahl al-lijaaaj*, Mashhad: Morteza Publishing, First Edition. [In Arabic]
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid (1990). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim*. Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami, Second Edition. [In Arabic]
- The Holy Qur'an*.
- Tusi, Muhammad bin al-Hasan (1987). *Tahdhib al-Ahkaam*, Tehran: Dar al-Kutab al-Islami, Fourth Edition. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin al-Hasan (1994). *Al-Amaali*, Qom: Dar al-Thaqafat, First Edition. [In Arabic]
- Wai'zi, Reza, and co-workers (2019). *Chalesh hay-e siyasat guzari dar hawzay-e gardishgari-e salamat-e Iran mubtani bar ruikard-e tahlil-e Mazmun*, in: *Mutalia'at Mudiriyat-e Gardishgari*, Vol 13, No 41, pp. 40-40. [In Persian]